



پرسش‌هایی پیرامون استکبار جهانی  
و پاسخ‌هایی برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

# پرسش‌ها

در یک توضیح مختصر استکبار و استکبارستیزی را چگونه می توان تعریف کرد؟ و چند نمونه از استنادات قرآنی این موضوع را بیان بفرمایید.

استکبار یک تعبیر قرآنی است؛ در قرآن کلمه‌ی استکبار به کار رفته است؛ آدم مستکبر، دولت مستکبر، گروه مستکبر، یعنی آن کسانی و آن دولتی که قصد دخالت در امور انسانها و ملت‌های دیگر را دارد، در همه‌ی کارهای آنها مداخله میکند برای حفظ منافع خود؛ خود را آزاد می‌داند، حقّ تحمیل بر ملت‌ها را برای خود قائل است، حقّ دخالت در امور کشورها را برای خود قائل است، پاسخگو هم به هیچ کس نیست؛ این معنای مستکبر است. نقطه‌ی مقابل این جبهه‌ی ظالم و ستمگر، گروهی هستند که با استکبار مبارزه میکنند؛ مبارزه‌ی با استکبار یعنی چه؟ یعنی در درجه‌ی اول زیر بار این زورگویی نرفتن؛ معنای استکبارستیزی یک چیز پیچ‌وخم‌دار پیچیده‌ای نیست؛ استکبارستیزی یعنی یک ملّتی زیر بار مداخله‌جویی و تحمیل قدرت استکبارگر یا انسان مستکبر یا دولت مستکبر نرود؛ این معنای استکبارستیزی است. ۱۳۹۲/۰۸/۱۲

استکبار در قرآن در باره‌ی امثال فرعون و گروه‌های بدخواه و معارض حقّ و حقیقت به کار رفته است. ۱۳۹۲/۰۸/۲۹ «أَنْ اَعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» که چندین بار این لفظ و این مضمون در قرآن تکرار شده - نشان میدهد که اصلاً خدای متعال پیغمبران را فرستاد برای توحید، برای اجتناب از طاغوت، برای عبودیت خداوند؛ اساس کار این است. یا وصیتی که خدای متعال در آن آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی شوری، به نوح و به ابراهیم و به موسی و به بقیّه کرده است: أَنْ اَقِيْمُوا الدِّيْنَ؛ آنکه مورد نظر است، اقامه‌ی دین است؛ یعنی همه‌ی دین را باید اقامه کرد؛ وَلَا تَنْفَرَقُوا فِيْهِ كَبُرَ عَلٰى الْمُشْرِكِيْنَ مَا تَدْعُوْهُمْ اِلَيْهِ اللّٰهُ يَجْتَبِيْ اِلَيْهِ مَنْ يَّشَاءُ وَيَهْدِيْ اِلَيْهِ مَنْ يُّنِيْبُ؛ یعنی همه‌ی دین - همه‌ی اجزا و همه‌ی ارکان دین - مورد توجه است، و معارض اصلی هم در مقابل این حرکت و این رویکرد - یعنی اقامه‌ی دین بتمامه، بجمیع اجزائه، بکله - عبارتند از قلدرهای عالم، مستکبران عالم؛ كَبُرَ

عَلَى الْمُسْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ؛ آنچه تو به آن دعوت میکنی، برای مشرکین [گران است]؛ یا در آیه‌ی شریفه در اوّل سوره‌ی مبارکه‌ی احزاب؛ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا؛ یعنی هم علیم است خدای متعال که احاطه‌ی علمی دارد به تمام اجزا و ذرات عالم و سازوکار زندگی ذرات، و هم حکیم است؛ با حکمت، راه تو را در این مجموعه مشخص کرده و باید دنبال کنی. وَ اتَّبِعْ مَا يُوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا \* وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيْلًا؛ در مقابله‌ی با این حرکت تو، دشمنی وجود خواهد داشت. ۱۳۹۳/۱۲/۲۱

### ■ امروز مصادق عینی استکبار چیست؟

استکبار در گذشته هم بوده است، تا امروز هم وجود دارد. استخوان‌بندی استکبار در همه‌ی دوره‌ها یکی است؛ البته شیوه‌ها و خصوصیات و روشها در هر زمانی تفاوت میکند. امروز هم نظام استکباری وجود دارد؛ رأس استکبار هم در دنیا، دولت ایالات متحده‌ی آمریکا است. ۱۳۹۲/۰۸/۲۹

### ■ نقطه مقابل نظام اسلامی چیست؟

آنچه نقطه‌ی مقابل نظام اسلامی است، استکبار است. جهت‌گیری خصوصتهای نظام اسلامی، با نظام استکبار است؛ ما با استکبار مخالفیم، ما با استکبار مبارزه میکنیم. استکبار یک واژه‌ی قرآنی است که در قرآن درباره‌ی امثال فرعون و گروه‌های بدخواه و معارض حقّ و حقیقت به کار رفته است. استکبار در گذشته هم بوده است، تا امروز هم وجود دارد. استخوان‌بندی استکبار در همه‌ی دوره‌ها یکی است؛ البته شیوه‌ها و خصوصیات و روشها در هر زمانی تفاوت میکند. امروز هم نظام استکباری وجود دارد؛ رأس استکبار هم در دنیا، دولت ایالات متحده‌ی آمریکا است. ۱۳۹۲/۰۸/۲۹

از این رو [نظام اسلامی با ملت‌ها طرف نیست، با مردم طرف نیست، با انسان‌ها طرف نیست، نظام اسلامی با استکبار طرف است. از زمان ابراهیم خلیل و نوح پیغمبر و پیغمبران بزرگ و پیغمبر اسلام تا امروز هم همین بوده: جبهه‌ی حق در مقابل استکبار قرار داشته است. چرا؟ مقابله‌ی امروز نظام اسلامی با استکبار از چه رو است؟ چون استکبار با این خصوصیات که گفتیم، قادر نیست نظام اسلامی‌ای مثل نظام جمهوری اسلامی ایران را تحمّل کند. چون نظام جمهوری اسلامی اساساً در اعتراض به استکبار پدید آمده است؛ انقلاب در اعتراض به استکبار و عوامل استکبار در ایران به وجود آمد و بر این اساس تشکیل شد، رشد پیدا کرد، قوی شد، منطق استکبار را به چالش کشید. [استکبار] نمیتواند تحمّل کند، مگر وقتی که مایوس بشود. ملت ایران، جوانان ایران، فعالان ایران، کسانی که به هر دلیلی ولو به دلیلی غیراسلامی به میهنشان و خاکشان عقیده دارند، باید کاری کنند که این یأس در دشمن به وجود بیاید؛ دشمن را باید مایوس کرد. برای دستگاه استکبار و امروز برای دولت ایالات متّحده‌ی آمریکا بسیار دشوار است که ببیند در این منطقه‌ی حسّاس عالم، در غرب آسیا - [که] یکی از حسّاس‌ترین مناطق دنیا است؛ هم از لحاظ سیاسی، هم از لحاظ اقتصادی، حوادث اینجا بر همه‌ی عالم اثرگذار است - یک کشوری، یک نظامی، یک ملّتی سربرآورده است که خود را متّصل و مربوط و تبع به آن قدرت ابرقدرت - که خودش را اَبَد قدرت میداند - نمیداند، مستقل حرکت میکند؛ علیه او این همه مخالفت انجام میگیرد، [اما] از همه‌ی این مشکلات و سختی‌ها نظام اسلامی عبور میکند و به اعتراف خود آنها نفوذ آمریکا را در این منطقه به چالش میکشد و نفوذ خودش را گسترش میدهد و به‌عنوان یک نمونه و الگویی برای ملّتهای منطقه درمی‌آید؛ تحمّل این برای آنها خیلی سخت است. ۱۳۹۲/۰۸/۲۹

دو قطبی سرمایه‌داری و کمونیزم که جنگ بر سر قدرت و ثروت بود، پایان یافت و امروز دو قطبی میان مستضعفین جهان به رهبری جنبش مسلمین با مستکبران به رهبری آمریکا و ناتو و صهیونیسم است. ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

## نظرات حضرت امام خمینی (ره) در موضوع استکبار ستیزی بر چه پایه و اساسی استوار بود؟

یکی از اصول امام اتکال به کمک الهی، اعتماد به صدق وعده‌ی الهی، و نقطه‌ی مقابل، بی‌اعتمادی به قدرتهای مستکبر و زورگوی جهانی است؛ این یکی از اجزاء مکتب امام است. اتکال به قدرت الهی؛ خدای متعال وعده داده است به مؤمنین؛ و کسانی که این وعده را باور ندارند در کلام خود خداوند لعن شده‌اند: **وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ** (توبه ۶۸) **وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ**، (مجادله ۱۴) **أَنْ كَسَانِي كَهَ «الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لَعَنَهُمْ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا»** (فتح ۶) اعتقاد به وعده‌ی الهی، به صدق وعده‌ی الهی - که فرموده است **«إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»** (محمد ۷) - یکی از ارکان تفکر امام بزرگوار ما است؛ باید به این وعده اعتماد و اتکال کرد. نقطه‌ی مقابل، به دل خوش کُنک‌های دشمنان، مستکبران، قدرتهای جهانی، مطلقاً نباید اعتماد کرد؛ این هم در عمل امام، در رفتار امام، در بیانات امام به‌طور کامل مشهود است. این اتکال به قدرت پروردگار و اعتماد به او، موجب میشد که امام بزرگوار در مواضع انقلابی خود صریح باشد. امام با صراحت صحبت میکرد؛ آنچه را مورد اعتقاد او بود صریح بیان میکرد، چون اتکاء به خدا داشت، نه اینکه نمیدانست قدرتها بدشان می‌آید، نه اینکه نمیدانست آنها عصبانی میشوند، میدانست اما به قدرت الهی، به کمک الهی، به نصرت الهی باور داشت. در برابر حوادث، دچار رودربایستی نشد؛ به یکی از نامه‌ها - امام شاید به دو نامه از نامه‌های سران مستکبر دنیا یا وابستگان به مستکبر، - که به او نوشته بودند جواب داد، امام به آن نامه، با صراحت تمام، مطلب را جواب داد که همان وقت در صداوسیما جمهوری اسلامی پخش شد. البته امام مؤدبانه حرف میزد اما مواضع قاطع و روشن خود را در آن نامه‌ها بیان کرد و این توکل خود را امام مثل خونی در شریان ملت جاری کرد؛ ملت هم اهل توکل به خدای متعال شد، به نصرت الهی معتقد شد، و در این راه وارد شد. اینکه امام به مستکبرین هیچ اعتمادی و هیچ اعتقادی نداشت، موجب میشد که به وعده‌های آنها

اعتنائی نکنند. رئیس‌جمهور آمریکا - ریگان، که رئیس‌جمهور مقتدری هم بود - به امام نامه نوشت و پیغام فرستاد و آدم فرستاد، امام به او اعتنائی نکرد، پاسخی به او نداد و اعتنائی نکرد و وعده‌ای را که او داده بود، امام به هیچ گرفت. ۱۳۹۴/۰۳/۱۴

### لازمه مواجهه با استکبار را چه می‌دانید؟

استکبار را باید بشناسیم، خصوصیات استکبار را باید بدانیم، عملکرد و جهت‌گیری استکبار را باید بدانیم تا بتوانیم خردمندانه رفتار خودمان را در مقابل او تنظیم کنیم. ما با برخورد غیر خردمندانه در همه‌ی عرصه‌ها مخالفیم؛ ما معتقدیم در همه‌ی عرصه‌ها، در همه‌ی برنامه‌ریزی‌ها، در همه‌ی جهت‌گیری‌های جمعی و فردی باید با درایت و حکمت عمل کرد. اگر صحنه را شناسیم، اگر دوست را شناسیم، دشمن را شناسیم، اگر امروز نظام سلطه را شناسیم، استکبار را شناسیم، چطور میتوانیم با حکمت و درایت حرکت کنیم؟ چطور میتوانیم درست برنامه‌ریزی کنیم؟ لذا باید بشناسیم. ۱۳۹۲/۰۸/۲۹

### رابطه میان محرومیت زدایی و یاری مستضعفان با استکبار ستیزی چگونه است؟ آیا در این

#### زمینه مستندات قرآنی وجود دارد؟

طبق آیه‌ی قرآن که فرمود: «و نريدان نمن على الذين استضعفوا فى الارض و نجعلهم ائمةً و نجعلهم الوارثين»، انسان می‌فهمد جهت حرکت کلی ادیان الهی، به سمت رفع استضعاف و محرومیت است. این است که اسلام و پرچم دین را، از پرچمهای فرهنگها و تمدنها و ایدئولوژیها و مکاتب گوناگون، به کلی متمایز می‌کند: سعی برای طبقه‌ی محروم. امروز در دنیای سرمایه‌داری و کشورهایى که زیر سلطه‌ی استکبار جهانی است، حرکت

به سمت رشد پولداران و سرمایه‌داران است؛ و آنچه به فکر آن نیستند، طبقات محروم است. اگر یک وقت کمکی هم به محرومین بشود، برای این است که بتوانند از آنها به نفع پولداران و سرمایه‌داران استفاده کنند. مبنای اقتصاد امروز دنیای سرمایه‌داری و استکبار، بر این است. در طول زمان هم، همیشه سلاطین و قدرتمندان و مستکبران، بر همین روال حرکت کرده‌اند. اما اسلام این را نمی‌گوید. اسلام می‌خواهد محرومیت از روی زمین و بخصوص در جوامع اسلامی، برداشته شود. آن جا که دین خدا حاکم است، باید محرومیت نباشد. انسانها باید از مواهب الهی برخوردار شوند، تا بتوانند در یک محیط مناسب و مساعد، خود را به کمال برسانند. عدل در جامعه باید مستقر شود. این، شعار اسلام است و شعاری است که دنبال آن، عمل است و شعاری است که برای توده‌های مظلوم و محروم عالم، دارای جاذبه است. نه مثل آن سوسیالیست‌ها و کسانی که دم از طرفداری از محرومین می‌زدند؛ اما هفتاد سال کشورها و ملت‌ها و جوامع را معطل کردند و روز به روز آنها را عقبتر راندند. نه مثل آنهایی که خواستند ایمان دینی را از مردم بگیرند. انسانی که ایمان دینی ندارد، امید روشن ندارد. انسانی که ایمان دینی ندارد قدرت برخورد با مشکلات را، به صورت اساسی ندارد. در نیمه‌ی راه می‌ماند و از نیمه‌ی راه برمی‌گردد. لذا شما دیدید آن کشورهایی که هیأت‌های حاکمه‌ی آنها، بی‌دینی و الحاد و بی‌خدایی و تفکرات مارکسیستی را بر مردم خودشان تحمیل کردند، در نیمه‌ی راه ماندند و از پا درآمدند و غرب غارتگر و استعمارگر بر آنها فائق و پیروز شد. اما اسلام این گونه نیست. حرکت اسلامی یک حرکت دائمی است. مبارزه‌ی اسلام برای زندگی نیکو و زیبا و عادلانه‌ی انسان، یک حرکت همیشگی است. برای همین است که با اسلام دشمنند، و برای همین است که هر روز که می‌گذرد، توطئه‌ای علیه اسلام و مسلمین، از چنجه‌ی استکبار بیرون می‌آید. ۱۳۷۱/۷/۱۵

## آیا استکبار آمریکایی فقط دامن ایران را گرفته و یا اینکه مسئله‌ای فراگیر است؟

آمریکا یک مستکبر به تمام معناست. مسئله‌ی ما هم فقط نیست، مسئله‌ی دنیاست، مسئله‌ی دنیای اسلام است. آمریکائی‌ها نسبت به همه جای دنیا این روح استکباری را دارند. در جنگ بین‌الملل دوم، بعد از آنی که ژاپن را شکست دادند، پایگاه در آنجا درست کردند، که هنوز پایگاه آمریکائی‌ها در ژاپن هست. ژاپنی‌ها با این همه پیشرفتهای علمی، هنوز نتوانستند پایگاه آمریکا را در ژاپن جمع کنند! آنجا پایگاه نظامی دارد؛ به مردم ظلم میکنند، اذیت هم میکنند، تو روزنامه‌ها هم آمد، خبرگزاری‌ها هم گفتند؛ تجاوز به نوامیس و کارهای خلاف دیگر؛ اما هنوز در آنجا هست. در کره‌ی جنوبی هم پایگاه‌های آمریکا هنوز هست. در عراق، نقشه‌ی آمریکا این است که پایگاه بسازد و پنجاه سال، صد سال در عراق مستقر بشود؛ و در افغانستان؛ چون افغانستان نقطه‌ای است که اگر آنجا پایگاه داشته باشند، میتوانند بر کشورهای آسیای جنوب غربی، بر روسیه، بر چین، بر هند، بر پاکستان و بر ایران تسلط داشته باشند. دارند این همه آنجا تلاش میکنند، برای اینکه آنجا پایگاه دائم درست کنند و بمانند. این معنای استکبار است. ۱۳۸۸/۸/۱۲

## سابقه استکباری آمریکا در مداخله جویی در کشورهای مختلف چگونه بوده است؟

به من آمار می‌دادند که دولت آمریکا از سال ۱۹۴۵ تا امروز در سرنوشتی چهار دولت مستقل، که تابع آمریکا نبودند، نقش ایفا کرده و در بیست و چند مورد دخالت نظامی داشته است! این دخالتها بدون استثناء با کشتار عمومی و با فجایع بزرگ همراه بوده است. البته در مواردی موفق شده و در مواردی هم ناکام مانده و موفق نشده است. آنچه که در ذهن خود ماست و از یاد ماها دور نیست، مثالهای روشنی است؛ از جمله بمباران اتمی ژاپن در پایان جنگ جهانی دوم، که آقای رئیس‌جمهور اشاره کردند؛ مثال ویتنام، آن جنگهای خونین،



آن فجایع فراموش نشدنی که بالاخره هم با ناکامی امریکا تمام شد؛ مثال شیلی؛ مثال خود ایران در کودتای ۲۸ مرداد - که مأمور امریکایی به تهران آمد و مشغول برنامه‌ریزی و اقدام شد؛ و بعد هم خودشان این موضوع را اعلام کردند و اسنادش نیز منتشر شد که الان در دسترس همه است - و همچنین در جاهای متعدّد دیگر. عامل همه‌ی اینها، کمپانیهای بزرگ اقتصادی، سردمداران مالی بزرگ امریکا، احزاب اقتدارطلب، دستجات پُر نفوذ صهیونیستی، شخصیت‌های معیوب از لحاظ فکری و اخلاقی - که در رأس کارها هستند - می‌باشند. این پرونده‌ی بسیار سنگین و گذشته‌ی بسیار ننگینی است. اینها چیزهای کوچکی نیست. برای اینها نابودی انسانها مهم نیست، نابودی ثروتها مهم نیست، نابودی عدالت مهم نیست، فاجعه‌های بشری مهم نیست؛ این مسائل هیچ کدام مانع سر راه اینها محسوب نمی‌شوند. البته برای حفظ ظاهر، امکانات فراوان تبلیغی و رسانه‌ای را هم در اختیار دارند. تعبیر کردند به «صدای بلندتر»، تعبیر درستی است. سعی می‌کنند با صدای بلندتری فضای دنیا را آن‌طور تنظیم کنند که این فاجعه‌آفرینی را بیوشاند؛ چهره‌ی آنها را باز هم طرفدار صلح، طرفدار مردم‌سالاری و دموکراسی، طرفدار حقوق بشر نشان دهد. ۱۳۸۰/۱۲/۲۷

### چه زمانی روحیه استکباری آمریکا در سطح جهانی آشکار گردید؟

آن روزی که بعد از فروپاشی اردوگاه کمونیزم، رئیس جمهور وقت امریکا نظم نوین جهانی را اعلام کرد، هدف استکباریِ دیرین امریکا را آشکار کرد؛ ما فی‌الضمیر خودش و دستگاه سیاستگذار امریکایی را نشان داد و آشکار کرد. البته این مخصوص آن روز نبود؛ از ده‌ها سال پیش تصمیم گرفتند و اعلان کردند که اجازه نخواهند داد هیچ قدرت دیگری وارد امریکای لاتین شود. امریکای لاتین به عنوان یک منطقه‌ی اختصاصی دولت ایالات متحده امریکا به حساب آمد. بعد بتدریج این به همه‌ی دنیا توسعه داده شد؛ منتها این را به

عنوان یک هدف اعلام‌شده ذکر نمی‌کردند و بر زبان نمی‌آوردند. بعد از آن که احساس کردند در مقابلشان رقیب بزرگی مثل شوروی وجود ندارد، این هدف را تقریباً به صراحت اعلام کردند: دنیای تک قطبی؛ نظم نوین جهانی با یک قدرت واحد و مسلط بر همه‌ی عالم. هدفی که برنامه‌های کاری امریکا در طول این ده‌ها سال گذشته، همه‌همین را نشان می‌دهد. هدف، گسترش سلطه‌ی نظامی و به دنبال آن، سلطه‌ی سیاسی و اقتصادی است؛ و تماماً در جهت منافع کمپانیهایی که در واقع سیاست دولت امریکا را آنها تعیین می‌کنند؛ جهتگیریها را آنها به وجود می‌آورند. اینها واقعیاتی است که بشر امروز اگر این واقعیات را بداند، به‌موقع تصمیم خواهد گرفت. انسانها اگر بفهمند در دنیای آنها چه می‌گذرد، قدرت تصمیم‌گیری و موضعگیری دارند. آحاد ملتها کارهای بزرگی می‌توانند انجام دهند.

## ■ «شعار مرگ بر آمریکا» در ایران چگونه بوجود آمد؟ آیا این شعار حاصل سیاست‌های حاکمیت بوده است؟

امریکا علاوه بر این که شانزده سال [از سال ۱۳۴۲ الی ۱۳۵۷]، علیه انقلاب اسلامی و پشتیبان رژیم گذشته بود، به بدترین شکل، نفوذ و دخالت یک دولت استکباری در یک کشور را تجسم داده بود و ضربه‌ها همه از سوی او وارد می‌شد. اینها همه، دلیل کینه‌ها و عقده‌های این ملت علیه امریکاست. اینها که مقدسات ما را به بازی گرفته بودند و علاوه بر همه ضربه‌ها، بعد از انقلاب در مقابل نجابت این ملت و بزرگواری و کرامت آن امام، با ملت ایران و با انقلاب اسلامی و با جمهوری اسلامی، این‌گونه رفتار کردند، چه توقعی دارند؟ از ملت ما توقع نوازش دارند؟ «مرگ بر امریکا» را کسی به ملت ایران یاد نداد. از اعماق جان یکایک مردم برآمد که: «مرگ بر امریکا». حال عده‌ای در گوشه و کنار پیدا میشوند و مورد سؤال قرار میدهند که «چرا؟». چرا شما

این «چرا» را به جایگاه خودش نمیبرید؟ چرا نمی‌پرسید که چرا رژیم امریکا با ملت ایران، به جرم این که خواسته است مستقل باشد، این همه کینه‌ورزی و دشمنی کرد و باز هم می‌کند؟ این، مطالب اول انقلاب بود که عرض کردم. از آن روز تا این ساعت، رژیم امریکا پیوسته علیه ملت ایران و انقلاب و جمهوری اسلامی و مسؤولین توطئه کرده است. یکی از سردمداران دولتهای قبلیشان شرم نکرد و گفت: «ملت ایران باید نابود شود». چقدر حماقت می‌خواهد که کسی چنین حرفی بزند؟! ولی اینها گفتند. این از دشمنی است. این از کثرت کینه است که در حرفهایشان، در افواهاشان و در چهره‌هایشان خود را نشان میدهد. امروز هم راه افتاده‌اند و به دلّالی، این طرف و آن طرف دنیا - ژاپن و چین و کجا و کجا - می‌روند و می‌گویند با ایران روابط نداشته باشید! به شما چه؟! شما چه کاره دنیا بید؟ ایران یک کشور بزرگ است. ۱۳۳۷/۰۸/۱۱

### آیا ما با ملت آمریکا مشکل داریم و جهت شعار مرگ بر آمریکا به سمت چیست؟

مسئله‌ی آمریکا به خاطر استکبار است، چون آمریکا یک دولت استکباری است، چون روش [آمریکا] استکباری است؛ ما با آمریکا به عنوان یک مجموعه‌ی جغرافیایی یا به عنوان یک ملت، به عنوان یک مجموعه‌ی انسانی هیچ مسئله‌ای نداریم، آن هم مثل بقیه‌ی کشورها؛ مسئله‌ی ما با آمریکا، مسئله‌ی استکبار آمریکایی است؛ مستکبرند، متکبرند، زور گویند، زیاده‌طلبند؛ ۱۳۹۳/۰۹/۰۶

### تکلیف مبارزه‌ی با استکبار پس از مذاکرات هسته‌ای و توافق هسته‌ای چه می‌شود؟

تکلیف مبارزه‌ی با استکبار پس از مذاکرات چیست؟ خوب، مگر مبارزه‌ی با استکبار، تعطیل‌پذیر است؟ مبارزه‌ی با استکبار، مبارزه‌ی با نظام سلطه تعطیل‌پذیر نیست. این هم جزو همین حرفهایی است که اتفاقاً

امروز من یادداشت کرده‌ام که به شما بگویم. این جزو کارهای ما است، جزو کارهای اساسی است، جزو مبانی انقلاب است. یعنی اگر مبارزه‌ی با استکبار نباشد، ما اصلاً تابع قرآن نیستیم. مبارزه‌ی با استکبار که تمام نمی‌شود. در مورد مصادیق استکبار، آمریکا اتمّ مصادیق استکبار است. ما به این مسئولین محترمی که در قضیه‌ی هسته‌ای مذاکره می‌کنند - که حالا اینها اجازه پیدا کرده‌اند که مسئولین رو به رو با هم حرف بزنند؛ البته سابقه داشت، در این سطح نه، در سطوح پایین‌تر سابقه داشت؛ در این سطح، اولین بار بود - گفته‌ایم که فقط در مسئله‌ی هسته‌ای شما حق دارید مذاکره کنید؛ در هیچ مسئله‌ی دیگری حق ندارید مذاکره کنید، و نمی‌کنند. آن طرف مقابل، گاهی مسائل منطقه و سوریه و یمن و مانند اینها را پیش می‌کشد، اینها می‌گویند ما در این زمینه‌ها با شما صحبتی نداریم و صحبت نمی‌کنند. مذاکره فقط در زمینه‌ی مسئله‌ی هسته‌ای است، آن هم به همان دلایلی که من گفتم و چندبار تکرار کردم که چرا در قضیه‌ی هسته‌ای ما این گرایش را، این رویکرد را انتخاب کردیم؛ من این را مفضلّ تشریح کردم. مبارزه‌ی با استکبار تعطیل‌پذیر نیست، تکلیفش کاملاً روشن است و خودتان را آماده کنید برای ادامه‌ی مبارزه‌ی با استکبار. ۱۳۹۴/۰۴/۲۰

### آیا می‌توان مقایسه‌ای تاریخی در مواجهه جبهه حق با استکبار بیان نمود؟

امروز نبرد جمهوری اسلامی با استکبار - که با انقلاب آغاز شد و همچنان با قوّت ادامه دارد - همان نبرد پیغمبران با طواغیت زمان، با شیاطین انس و جن است. ما دنبال آرمانهای بلند هستیم؛ دنبال تشکیل جامعه‌ی اسلامی، نظام اسلامی، کشور اسلامی، امت اسلامی و تحقق بخشیدن به آرزوهای بزرگ پیامبران و صدیقان و شهیدان [هستیم]؛ و دستگاه‌های شیطانی زمان یک جبهه‌اند و طبعاً با یک‌چنین حرکتی مخالفند. [بنابراین] کارشکنی می‌کنند، اذیت می‌کنند، تهدید می‌کنند؛ در عین حال با همه‌ی زرق و برقی که

آن جبهه‌ی مقابل دارد و جلال ظاهری و توانایی‌های مادی‌ای که دارد، این حرکت الهی و حرکت پیامبرانه راه خودش را دارد ادامه می‌دهد و پیش می‌رود، اثر می‌گذارد، روزبه‌روز توسعه پیدا میکند، روزبه‌روز عمق پیدا میکند. ۱۳۹۳/۰۴/۱۶

### موضع صریح خود در مورد استکبار و صهیونیسم را بفرمایید.

هر جایی که حرکت بر ضد استکبار است، بر ضد صهیونیسم است، بر ضد دولت غاصب صهیونیستی در کشور عزیز فلسطین است، این حرکت، حرکت مقبول و مورد حمایت و تأیید ماست. هر جا حرکت علیه آمریکاست، علیه این دیکتاتوری بین‌المللی است - که امروز آمریکا یک دیکتاتوری بین‌المللی به وجود آورده است - هر جا حرکت علیه دیکتاتوری‌های داخلی است، برای احقاق حق ملت‌هاست، ما با آنها موافقیم. ۱۳۹۰/۰۸/۰۹

### اتحاد جهانی علیه ایران را تا چه اندازه واقعی می‌دانید؟

هیچ گمان نشود که یک اتحاد جهانی علیه جمهوری اسلامی وجود دارد؛ نه، آن جبهه‌ی متحد و مرکزی که علیه نظام اسلامی با همه‌ی توان دارد کار می‌کند، دو عضو دارد: یکی رژیم ایالات متحده‌ی امریکاست، یکی هم رژیم صهیونیستی و پشتیبانان صهیونیستش در همه‌ی عالم، که البته قدرت و ثروت و نفوذشان در دنیا کم نیست. ۱۳۸۲/۰۵/۱۵

### برخی می‌پندارند که استکبارستیزی موجب انزوای ملت ایران شده؛ در پاسخ به این افراد

#### چه جوابی دارید؟

ایستادگی یک ملت، موجب انزوای او نمی‌شود، بلکه بیشتر موجب عزت او می‌گردد. همچنان که رابطه با

دولت آمریکا یا هر دولت دیگر هم هیچ گره‌ای را از کار ملتی که خودش نتواند دردهای خود را علاج کند، باز نمی‌کند. ۱۳۷۷/۰۱/۰۱

### نظر صریح شما درباره مسئولان دولتی حامی مذاکره با آمریکا چیست؟

بعضی در دل خود احساس ضعف میکنند، با چشم‌غره‌های آمریکا آنها را میترساند، یا وعده‌های آمریکا و امثال آمریکا دل ضعیف و ناتوانشان را به خود جذب میکند؛ لذا به سمت آمریکا میکشند. آن گاه ملت و جوانان مؤمن و مدیران بالیمان و باصفای کشور را متهم میکنند که اینها نمیتوانند؛ بنابراین ناچاریم برویم تسلیم آمریکا شویم! کسانی که دم از مذاکره با آمریکا میزنند، یا از الفبای سیاست چیزی نمیدانند، یا الفبای غیرت را بلد نیستند؛ یکی از این دو تاست. در حالی که دشمن این‌طور احم میکند، این‌طور متکبرانانه حرف میزند، این‌طور به ملت ایران اهانت میکند، تصریح هم مینماید که میخواهد علیه این نظام و این کشور و منافع آن اقدام کند، عده‌ای در این جا ذلیلانه و زبونانه میگویند: چه کار کنیم؛ برویم، نرویم، نزدیک شویم، با آنها صحبت کنیم، در خواست کنیم، خواهش کنیم؟! این اهانت به غیرت و عزت مردم ایران است؛ این نشانه بی‌غیرتی است؛ این سیاستمداری نیست. سعی میکنند رنگ و لعابی از فهم سیاسی به کار خود بدهند؛ نه، این درست ضد فهم سیاسی است. ۱۳۸۱/۰۳/۰۱

### برخی رسانه‌ها مدام کلمه مذاکره با آمریکا را سر تیتتر خود قرار می‌دهند، به نظر تان این کار

صحیح است؟

برای رایج کردن یک گناه در عمل، یکی از راه‌هایش این است که آن گناه را در زبانها رایج کنند. آن قدر

بگویند که قبحش از بین برود! شما قضیه فلسطین و سرنوشت شومی را که بعضی از فلسطینیها برای خودشان و ملت فلسطین قبول کردند، ببینید! امروز این تجربه بسیار عظیم و عبرت بزرگی است. از بس مدام در گوشه و کنار، کسی چیزی گفت و دیگران به او تشر زدند! هی گفتند: «چه مانع دارد که ما با اسرائیل صحبت کنیم؟!» دیگر نگفتند: «دشمنِ غاصب!» نگفتند: «این دشمنِ غاصب است. این در خانه فلسطینیها نشسته است. چه مذاکره‌ای؟! مذاکره با او این است که بگویند فلان فلان شده، از خانه ما برو بیرون!» مذاکره با غاصب، این است. مذاکره با ظالم این است که بگویند: «فلان فلان شده، چرا این قدر ظلم میکنی؟!» مذاکره، یعنی این. و آلا، مذاکره دوستانه، که بروند و بگویند و بخندند و او چیزی بگوید و این چیزی بگوید و بعد چانه بزنند، و این که گفته شود «دیگر با غاصب این حرفها را نداریم»، چه معنی دارد؟! هیچ کس هم به آن کسانی که هی اسم مذاکره با اسرائیل را آوردند و آوردند و تشر زدند، تا عیب و قبحش در نظرها از بین رفت و آخرش به این روز تلخ و سیاه رسید. نکند کسانی که هی اسم مذاکره را این جا و آن جا و در داخل ملت ایران می‌آورند، قصدشان اینها باشد! ملت ایران، ملتی است که احتیاج به مذاکره و مرآموده و ارتباط با دشمن مستکبر ندارد. مگر شما ضعیفید؟! مگر ملت ایران ملت کوچکی است؟! مگر ملت ایران، قدرت دفاع از خود را ندارد؟! ما چه احتیاج داریم به این که به درِ خانه مستکبرین، مستبدین و دیکتاتورهای بین‌المللی برویم؟! من سال گذشته گفتم: این آقایانی که اسم دمکراسی را می‌آورند و پرچم دمکراسی را - به اصطلاح و به ظاهر - برای ملت‌های خودشان بلند کرده‌اند، همان هم دروغ است و دمکراسی واقعی در این گونه کشورها نیست. همانها در سطح بین‌المللی، یک دیکتاتوری عظیم و خونین به راه می‌اندازند. هر جا دلشان میخواهد وارد میشوند، هر جا دلشان میخواهد تفحص میکنند، و متأسفانه دستگاهی هم آن جا درست شده است به عنوان ابزاری در دستِ اینها. یعنی سازمان ملل و شورای امنیت! چه لزومی دارد ما سراغ دیکتاتورها برویم؟

در مقابل آنها تعظیم کنیم و بگوییم: «بفرمایید با ما مذاکره کنید!» نه آقا! این دیکتاتور، همان دیکتاتوری است که این ملت، آن وقت که هیچ چیز نداشت، با مشمت خالی و با شعار او را از خانه خود بیرون کرد. این، همان دیکتاتور است. ۱۳۷۲/۰۸/۱۲

برخی معتقدند در مورد رابطه با آمریکا مطالعات کارشناسی همه جانبه انجام نشده و به این موضوع به صورت کاملاً احساسی نگاه می‌شود؛ پاسخ خود را نسبت به این افراد بفرمایید.

یک عده به اصطلاح عقلا و مصلحت‌اندیش‌ها، همیشه مصلحت‌اندیشانه و به اصطلاح عاقلانه، مردم و مسؤولان نظام و رهبر عظیم‌الشأن فقیدمان را نصیحت می‌کردند که شما چرا بی‌خود با آمریکا - که در دنیا قدرتی است - رزم‌آوری و مبارزه می‌کنید؟! چرا خود را با غول وحشتناکی به جنگ می‌اندازید؟! این هم از همان جاهایی است که مردم ماهیت آن را فهمیده‌اند؛ اما بعضی از خواص نفهمیدند! آنها خیال می‌کردند که جمهوری اسلامی بدون هیچ علت و دلیلی، اقدام به ایجاد دشمنی با غول پر قدرتی در سطح جهان کرده است؛ در حالی که قضیه این نبود. ۱۳۶۸/۰۶/۲۲

ما با ملاحظه همه جوانب، با مطالعه همه تجربه‌های کشور خود و کشورهای همسایه و با مشورت با صاحب‌نظران عمده و دارای رأی، به این نتیجه می‌رسیم که نه فقط رابطه با آمریکا، بلکه مذاکره با دولت آمریکا امروز برخلاف مصالح ملی و منافع ملت است. این یک نظر متعصبانه نیست؛ این یک اندیشه و فکر است؛ بررسی شده و با ملاحظه همه جوانب است. مذاکره با آمریکا - چه در قضایای کنونی و چه در مسائل دیگر - به معنای باز کردن باب توقّعات و طلب‌کاریهای امریکاست. کسانی که دم از مذاکره می‌زنند - که البته سوء نیت ندارند، دچار غفلتند - توجّه ندارند که مذاکره با آمریکا در هریک از قضایایی که این دولت در آن برای



خودش ایده و منفعتی تعریف کرده است - مثل همین قضیه افغانستان - هیچ فایده‌ای ندارد. چرا؟ چون او مستکبر است و تسلیم نمی‌شود. مذاکره آمریکا با یک دولت، به معنای این نیست که می‌خواهد نظرات آن دولت را قبول کند؛ حتی نظرات مجامع جهانی را قبول نمی‌کند! همین حالا که در آفریقا در یک کنفرانس، بحث گرم شدن زمین و مسأله گازهای گلخانه‌ای در دنیا مطرح است و همه دنیا لازم دانستند در این خصوص تلاش کنند، آمریکا زیر بار نمی‌رود؛ یعنی حتی با رفقای اروپایی خودش هم کنار نمی‌آید! چند روز پیش در خبرها خواندم که رئیس‌جمهور پاکستان از امریکاییها درخواست میکند که برای حمله به افغانستان، از فلان فرودگاه استفاده نکنند؛ از بقیه‌ی فرودگاهها استفاده کنند؛ اما امریکاییها خواسته او را رد میکنند! یعنی به نظر مشورتی رئیس آن کشور در مورد یک فرودگاه اعتناء نمی‌کنند! کدامیک از کشورهایی که با آمریکا رابطه دارند، توانسته‌اند در یک مسأله مهم، نظرشان را به آمریکا تحمیل کنند؟ بعضی از کشورهای عربی تملق میکنند؛ بعضی از آنها هر چه میتوانند، نظرات آمریکا را در همه بخشها رعایت و به آن عمل میکنند؛ اما آمریکا به کدام خواسته این کشورها در مقابل رژیم صهیونیستی غاصب یا در مسائل مهم جهان عرب ترتیب اثر داده است؟ این غفلت بزرگی است که بعضی کسان دارند. ۱۳۸۰/۰۸/۰۸

### آیا رابطه با آمریکا مشکلات اقتصادی کشور را حل می‌کند؟

یک عده گول خورده و غافل در داخل کشور ما در صف پشت سر آنها [آمریکا] خیال می‌کنند که اگر آمریکا ارتباطاتش با کشوری - مثلاً جمهوری اسلامی - عادی شد و رابطه برقرار کردند، ناگهان همه‌ی مشکلات اقتصادی ملت ایران حل خواهد شد! اگر کسی این‌طور فکر کند، خطای عظیمی مرتکب شده است. ملت ایران، ارتباط با آمریکا را یک دوره تجربه کرده است. امریکایی‌ها از سال سی‌ودو که زمام قدرت استکباری را

در ایران در دست گرفتند، تا سالهای پنجاهوشش و پنجاهوهفت هر چه داشتیم، از ما گرفتند؛ هر چه بوده است، بردند. اغلب گرفتاری‌های امروز ملت ایران مربوط به آن دوران و همچنین دوران تسلط انگلیسی هاست. انگلیس هم مثل امریکاست؛ فرقی نمی‌کند. قبل از امریکاییها، انگلیسیها بر سیاست ایران مسلط بودند. از اواخر دوران قاجار تا روی کار آمدن رضاخان، تا بعد - تا سال سی و دو - همه چیز در ایران در دست انگلیسیها بود. حکومت می‌آوردند، حکومت می‌بردند؛ نفت را می‌بردند، منابع را می‌بردند؛ فرهنگ را رقم می‌زدند و هر کار می‌خواستند، می‌کردند. بعد هم امریکایی‌ها آمدند و در آن رقابت بین‌المللی خودشان، از انگلیسیها تحویل گرفتند؛ مثل یک منطقه‌ی مفتوحه! یک ملت، با ارتباط با دولتی که اهداف استکباری دارد، هیچ خیر و سودی نمی‌برد. ۱۳۷۸/۰۸/۱۲

## ■ برای سخن آخر پیش بینی شما از مواجهه انقلاب اسلامی ایران با آمریکا و صهیونیسم (استکبار) چیست؟

تاریخ دارد عوض می‌شود. یکی از پیچ‌های مهم حرکت تاریخ، در زمان من و شما دارد طی می‌شود. پیچ‌های تاریخ، در طول سالهای متمادی طی می‌شود. گاهی عمر یک نسل یا دو نسل، در تاریخ یک لحظه است. ما در یکی از همان پیچ‌های عمده و در یکی از همان نقاط عطفیم. امروز به دوران نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نگاه کنید؛ از دور، پیچ را می‌شود دید. از نزدیک در حین حرکت، هیچ کس ملتفت نیست که چه کاری دارد انجام می‌گیرد؛ مگر هوشمندان. از اینجا شما می‌فهمید که بشریت در دوران صدر اسلام، مشغول چگونه حرکتی بود و چه کار می‌کرد. نه اینکه بخواهم دوران نورانی نبی اکرم را با دوره‌های دیگر مقایسه کنیم، اما آن چنان کاری را امروز داریم انجام می‌دهیم؛ یا بهتر بگوییم، امروز دنیا در حال آن چنان تحولی است

که آن روز بود؛ آن روز هم کسی باور نمی کرد. شما خیال می کنید قدرتهایی که آن روز بر دنیا مسلط بودند، کمتر از قدرت استکباری امریکای امروز احساس قدرت می کردند؛ نه، آن ها هم همین طور احساس قدرت می کردند. ۱۳۷۰/۰۶/۲۷

ملت ما راه درستی را انتخاب کرده است [که تا بحال با شیطان استکبار، یک لحظه کنار نیامده است]. ما این راه را ادامه خواهیم داد. ما به فضل الهی و با توکل به خدا و با استحکام همبستگی ملتمان و با همبستگی ملت‌های دیگر با انقلابمان، در آینده هم مثل گذشته، یک لحظه با امریکا و زورگویی‌هایش کنار نخواهیم آمد. ثانیاً، آن چیزی که به نتیجه و پیروزی خواهد رسید، راه ماست؛ نه راه امریکا. قلدری امریکا شکسته خواهد شد. شاخ و دندان این حیوان وحشی و بیملاحظه که هیچ چیز را در مقابل خود به حساب نمی آورد، در هم خواهد شکست. ۱۳۶۸/۱۰/۱۶

من الان هم با تمام قوت قلب و به فضل پروردگار و با اتکاء به حول و قوه‌ی الهی، از بن دندان اعتقاد این است که اگر امریکا تمام نیروهایش را برای ضربه زدن به این انقلاب بسیج کند، نخواهد توانست هیچ غلطی بکند. تلاش میکنند، زحمت میکشند، میخواهند کارهایی بکنند؛ اما اوج غرورشان، نقطه‌ی ضعفشان است. من الان نقاط ضعف این قدرتمندان ظاهری و پوشالی را احساس میکنم؛ تضادهایشان بتدریج روشن خواهد شد. بله، در مقابل جبهه‌ی اسلامی خواهند ایستاد؛ اما جبهه‌ی اسلامی، با آن جناح امپراتوری مارکسیستی چپ که توانسته بودند با ترساندن مردم خودشان از آن، آن اتحاد و وحدت را بین خودشان به وجود بیاورند، فرق میکند. تمام شد؛ صدای شکست امپراتوری زر و زور از دور به گوش میرسد. ۱۳۷۰/۰۶/۲۷

خودتان را آماده کنید  
برای ادامه مبارزه با استکبار  
امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

